

قرابت معنایی

آن چه از طبقه‌بندی تست‌های قرابت معلوم شد این است که بیشترین تست‌ها از کتاب سال چهارم می‌آید بعد کتاب سال دوم و از همه کمتر کتاب سال سوم. از نظر مضمونی نیز بیشترین فصلی که مورد عنایت طراحان تست است ادبیات غنایی است. چرا که متون این فصل به طراح تست امکانات زیادی را ارائه می‌دهد و دست او را باز می‌گذارد. مهم‌ترین فصل کتاب سال سوم، گذشته از ادبیات غنایی، ادبیات عرفانی است. متون «آورده‌اند که...»، «شعر حفظی» و «بیاموزیم‌ها» کاملاً مهم‌اند و اصلاً نباید فراموش شوند. تقسیم‌بندی ما چنین است: (۱) تقسیم‌بندی موضوعی (۲) تقسیم‌بندی کتابی. از مجموع ۸۹ تستی که می‌بینید ۳۳ تست مربوط به ادبیات غنایی است (سال چهارم: ۲۶، سال سوم ۲: سال دوم ۵). ۲۲ تست مربوط به ادبیات تعلیمی است (سال چهارم: ۱۱، سال سوم ۳: سال دوم ۸). از آورده‌اند که...، بیاموزیم و شعر حفظی جمعاً ۱۱ تست آمده است (سال سوم ۲، دوم ۹). ۷ تست از ادبیات عرفانی سال سوم آمده است. از تحدیدیه‌ها ۶ تست آمده است (سال چهارم: ۳، سال سوم ۱: سال دوم ۲). تست‌های ترکیبی سال سوم ۳ تا بود. ۶ تست نیز باقی ماند، که همه را یک جا آوردیم.

چگونه تست‌های قرابت را بزنیم؟!

- ۱- مبنای طرح تست‌های قرابت معنایی «موضوعات» کتاب درسی است. پس باید بدانید کتاب درسی راجع به چه موضوعاتی شعر دارد. مثلاً در کتاب-های درسی عمومی راجع به تهدید معشوق از جانب عاشق چیزی نیامده اما در انسانی آمده است. پس این موضوع در تست‌های عمومی مطرح نخواهد شد.
- ۲- تست قرابت معنایی سخت است چون هیچ چیز از پیش تعیین شده‌ای وجود ندارد. هر چه هست در فضای بیت‌هایی است که در یک گزینه می‌بینید. هیچ کس تضمین نداده است که یک بیت فقط یک مضمون داشته باشد. در برخورد با تست‌های قرابت معنایی مهم‌ترین عوامل موفقیت خلاقیت و اعتمادبنفس است. به هر حال تو یک ایرانی هستی و زبان مادری‌ات فارسی است. می‌توانی در دمقایسه دچند بیت با یکدیگر یک چیزهایی از آن بفهمی. دانستن اطلاعات کتاب درسی لازم است اما کافی نیست. هر تست قرابت داستان خودش را دارد. به بیت‌های تست نگاه کن. خود بیت-ها به تو می‌گویند دنبال چه چیزی بگردی!
- ۳- قرار نیست شما بیت را کاملاً معنی کنید. همین که شما معنی کلی بیت را دریافتید کافی است. برای این امر، گذشته از این که سوادداشتن کمک می‌کند، دانستن مضامین پرکاربرد بسیار راهگشاست. ما در ادامه این مضامین را فهرست خواهیم کرد.
- ۴- اگر بیتی را نفهمیدید، از آن بگذرید اما از خیر تست نگذیرید. بیت‌های خیلی سخت اغلب جواب تست نیستند. این بیت‌ها می‌آیند تا سوال مهم جلوه کند و طراح تست احسن و آفرین بگیرد. اما هیچ کس جرئت نمی‌کند در کنکور سراسری تست شک‌دار بدهد.
- ۵- چند دسته تست قرابت داریم:

۵-۱- «مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟» این‌ها از هر نوع دیگری سخت‌ترند. برای حل این تست‌ها دنبال یک مضمون مشترک در سه بیت بگردید؛ مضمون مشترکی که مثل نخ تسبیحی ۳ گزینه را به هم ببندد و ۱ گزینه تک بیفتد. سخت‌ترین حالت وقتی پیش می‌آید که دو گزینه مطمئناً به هم نزدیکند اما بین دو گزینه‌ی دیگر تردید دارید. در این حالت مضمون آن دو گزینه‌ی مورد اطمینان را اصل قرار دهید و دو گزینه‌ی مشکوک را با آنها بسنجید. یعنی از خیر مفهوم کلی بگذرید و فقط به گزینه‌ها دقت کنید. به این تست دقت کنید:

۱- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟ (انسانی - ۹۰)

(۱) آرامگه بی خبری بود بهشتی بیداری و هشیاری ما را که خبر کرد

(۲) پرستش به مستی است در کیش مهر برون اند زین جرگه هشیارها

(۳) هر که امشب می‌نوشد، او به ما منسوب نیست پارسا در حلقه‌ی مستان نشستن، خوب نیست

(۴) گر هیچ خرد داری و هشیاری و بیدار چون مست مرو بر اثر او به تمنا

از گزینه‌های ۲ و ۳ می‌شود فهمید بین مستی و هشیاری تقابل وجود دارد. ضمناً گزینه ۲ بیت کتاب درسی است. پس می‌فهمیم در این تست عقل معنی منفی دارد. حال دو گزینه‌ی مشکوک را با دو گزینه‌ی مورد اعتماد می‌سنجیم. گزینه ۴ صحیح است. تقابل عقل و عشق هسته‌ی این بیت است و در گزینه ۴ مستی منفی است و خرد مثبت.

۲-۵- «مفهوم بیت ... در کدام گزینه دیده می‌شود/ دیده نمی‌شود؟» این گونه تست‌ها از گونه‌ی قبلی آسان‌ترند. به هر حال بیت سوال یا عین بیت کتاب درسی است یا مضمونش از کتاب درسی است. این چوب خطی دست شما می‌دهد تا راحت‌تر گزینه‌ها را رد کنید. اما گاهی اوقات - که این اوقات کم نیز نیستند!- اگر صورت سوال را نخوانید و فقط به تفاوت گزینه‌ها دقت کنید تست راحت‌تر حل می‌شود. به این تست دقت کنید:

۲- مفهوم : «به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا» با کدام بیت متناسب است؟ (انسانی- ۹۱)

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) برو ای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر | که ندادند جز این تحفه به ما روز الست |
| ۲) من نخواهم کرد ترک لعل یار و جام می | زاهدان معذور دارم که اینم مذهب است |
| ۳) خون خورده‌ام نه باده که زهرم نصیب باد | دور از لب تو چون می بی غش گرفته‌ام |
| ۴) در شب قدر ار صبحی کرده‌ام عیبم مکن | سرخوش آمد یار و جامی بر کنار طاق بود |

راه حل تست این است که بگویید بیت سوال می‌گوید در شرایطی که من بودم نوشیدن ناچار انجام می‌شد، پس من هم نوشیدم و این مضمون در بیت ۴ هم دیده می‌شود. پس گزینه ۴ صحیح است. هر دو بیت ناچاری عشق را مطرح می‌کند.

۳-۵- «در کدام گزینه، ابیات دو گانه تناسب مفهومی ندارد؟» این گون تست از سال ۹۰ باب شد. تست چندان سختی نیست. فقط یادت باشد هر بیت را با بیت زیر آن بسنجی نه همه‌ی ابیات را با هم. آن طورذ که من دیدم مشکل بچه‌ها این است که معنی صورت سوال را نمی‌فهمند. به این تست دقت کنید:

۳- در کدام گزینه، ابیات دو گانه تناسب مفهومی ندارد؟ (انسانی- ۹۱)

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) مزین بر سنگ پیش سخت رویان گوهر خود را | به هر آینه‌ی تاریک منما جوهر خود را |
| ۲) زبان در دهان ای خردمند چیست؟ | کلید در گنج صاحب هنر |
| ۳) هر آن کو نکو رأی و دانا بود | نه زیبا بود گر نه گویا بود |
| ۴) ای حیات عاشقان در مردگی | دل نیابی جز که در دل بردگی |
| مرده و مرد را ز مرگ چه باک | جز دو رنگی نشد ز مرد هلاک |
| ۴) نیست جای خواب و آسایش گذرگاه جهان | تا به کی سازی به پهلو بستر بیگانه گرم |
| عمر برف است و آفتاب تموز | اندکی ماند و خواجه غره هنوز |

گزینه ۳ صحیح است. بیت «ای حیات...» می‌گوید زندگی عاشق از معشوق است اما بیت «مرده و مرد ...» می‌گوید مرد از مرگ نمی‌ترسد. مضامین مشترک دیگر گزینه‌ها چنین است: مضمون مشترک گزینه ۱: هر کسی ارزش ندارد که هنر نثارش شود، گزینه ۲: دانا باید سخن بگوید و گزینه ۴: در دنیا غافل و آسوده نباش که مرگ در پی ماست.

۴-۵- «مفاهیم «...، ...، و ...» به ترتیب از کدام عبارت دریافت می‌شود؟» این تست‌ها از دهمه آسانترند و تا حالا فقط از کتاب سال سوم این گونه تست طرح شده است. زیرا که کتاب سال سوم از نظر قرابت معنایی ضعیف است و طراحان به این روش متوسل می‌شوند تا از این کتاب هم تستی طرح کرده باشند. خیلی راحت رد گزینه کنید. به این تست دقت کنید:

۴- مفاهیم «اتحاد، فروتنی، مصلحت اندیشی، مناعت طبع» به ترتیب از کدام عبارات دریافت می‌شود؟ (هنر- ۹۰)

الف) گفت: این صلت فخر است پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست

ب) وزیر گفت: این همه دولت که مرا هست همه از امیر است. ما ابتدای خویش فراموش نکرده‌ایم.

ج) مطوقه گفت: در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی تر.

د) وی گفت: تا خفتگان و به دنیا فریفته‌شدگان بیدار شوند و هر کس آن کند که امروز و فردا او را سود دارد.

گزینه ۲ صحیح است. مناعت طبع گزینه‌های ۳ و ۴ را رد می‌کند فروتنی گزینه ۱ را.

مضامین پر کاربرد

ما مضامین پر کاربرد را در چهار دسته غنایی، تعلیمی، عرفانی و تحمیدیه عرضه می‌کنیم. می‌توان عناوین بیشتری را هم فهرست کرد اما فایده‌ای ندارد. بعضی مباحث چنان کم‌کاربردند که اگر توضیحات زیر تست را بخوانید بهتر است. در بعضی تست‌ها هم واقعا ربطی بین صورت سوال و گزینه‌ها نیست. لذا بعد از تحمیدیه فهرستی مشاهده نخواهید کرد. بهترین کار برای تسلط در تست قرابت این است که تست‌های کنکور را چند بار بزنید، به نحوی که مضامین خاصی در حافظتان بماند.

مضامین پر کاربرد ادبیات غنایی

- | | |
|--|--|
| عشق داند که در این دایره سرگردانند | ۱- تقابل عقل و عشق: عاقلان نقطه‌ی پرگار وجودند ولی |
| آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست | ۲- سختی کشیدن در راه عشق: شیر در بادیه‌ی عشق تو روباه شود |
| لطف آن چه تو اندیشی حکم آن چه تو فرمایی | ۳- تسلیم شدن در برابر عشق: در دایره‌ی قسمت ما نقطه‌ی تسلیمیم |
| غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای؟! | ۴- ناچاری عشق: در کف شیر نر خونخواره‌ای |
| من گوش استماع ندارم لمن تقول؟! | ۵- پندناپذیری عاشق: بیدل گمان مبر که نصیحت کند قبول |
| دیوانه و شوریده و شیدا بادا | ۶- بی‌قراری عاشق: عاشق همه سال مست و رسوا بادا |
| هرگز روزی به شادمانی نرسید | ۷- غمگینی و تنهایی: این غمکش شبرو که دلش می‌خوانند |
| در گردن دیده‌ی بلاجو ست | ۸- عاشق شدن به سبب نگاه: خون دل عاشقان مشتاق |
| جوشش عشق است کاندرا می فتاد | ۹- ارزشمندی بواسطه‌ی عشق: آتش عشق است کاندرا نی فتاد |
| منظر چشم مرا ابروی جانان طاق بود | ۱۰- قدمت عشق: پیش از آن کاین سقف سبز و طاق مینا برکشند |
| تا خرابت نکند صحبت بدنامی چند | ۱۱- بی‌آبرویی عاشق: زاهد از کوچی رندان به سلامت بگذر |
| عاشقان پیششان چنین میرند | ۱۲- جانبازی عاشق: گفت خوبان چو پرده برگیرند |
| مجموع اگر نشستم و خرسند اگر شدم | ۱۳- وفا: بی‌زارم از وفای تو یک روز و یک زمان |
| و گرنه هر دم از هجر تو ست بیم هلاک | ۱۴- امید وصال: مرا امید وصال تو زنده می‌دارد |
| ما به فلک می‌رویم عزم تماشا کراست؟ | ۱۵- شوق به جهان معنا: هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست |
| کز غمگسار خود سخن ناسزا شنید | ۱۶- گلایه از یار: اینش سزا نبود دل حق‌گزار من |

ادبیات غنایی

سال چهارم

- ۵- مفهوم همه‌ی ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارند. (انسانی - ۹۱)
- | | |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| (۱) حکایتی ز دهانت به گوش جان آمد | دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم |
| (۲) مرا هوشی نماند از عشق و گوش | که پند هوشمندان کار بندم |
| (۳) کلید گنج سعادت نصیحت سعیدی است | اگر قبول کنی گوی بردی از میدان |
| (۴) اگر مراد نصیحت کنان ما این است | که ترک دوست بگویم تصویری است محال |

گزینه ۳ صحیح است. باقی گزینه‌ها نصیحت‌ناپذیری عاشق را مطرح می‌کنند.

۶- مضمون همهی ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد. (انسانی - ۹۱)

- | | |
|--|--|
| ۱) دانی که خبر ز عشق دارد؟ | آن کز همه عالمش خبر نیست |
| ۲) در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند | تا ابد سر نکشد وز سر پیمان نرود |
| ۳) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست | دیرگاهی است که من بلبل این بستانم |
| ۴) پیش از آب و گل من در دل من مهر تو بود | با خود آوردم از آنجا نه به خود بر بستم |

گزینه ۱ صحیح است. باقی گزینه‌ها ازلی بودن عشق را مطرح می‌کنند.

۷- مفهوم بیت «من چشم از او چگونه توانم نگاه داشت کاوّل نظر به دیدن او دیده ور شدم» با کدام بیت متناسب است؟ (انسانی - ۹۱)

- | | |
|--|---|
| ۱) تا مرا با نقش رویش آشنایی اوفتاد | هرچه می بینم به چشم نقش دیوار آمدست |
| ۲) تا نپنداری که بعد از چشم خواب‌آلود تو | تا برفتی خوابم اندر چشم بیدار آمدست |
| ۳) گر تو انکار نظر در آفرینش می‌کنی | من همی گویم که چشم از بهر این کار آمدست |
| ۴) آن پری کز خلق پنهان بود چندین روزگار | باز می‌بینم که در عالم پدیدار آمدست |

گزینه ۳ صحیح است. بحث ازلی بودن عشق مطرح است.

۸- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟ (هنر - ۹۰)

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) عاقل متفکر بود و مصلحت اندیش | در مذهب عشق آی و از این جمله برستی |
| ۲) هرگز نبرده‌ام به خرابات عشق راه | امروز آرزوی تو در داد ساغری |
| ۳) فرمان عشق و عقل به یک جای نشنوند | غوغا بود دو پادشه اندر ولایتی |
| ۴) زان گه که عشق دست تطاول دراز کرد | معلوم شد که عقل ندارد کفایتی |

گزینه ۲ صحیح است. در باقی گزینه‌ها تقابل عقل و عشق مطرح است.

۹- کدام بیت با سایر ابیات تقابل معنایی دارد؟ (هنر - ۹۰)

- | | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) اگر سالکی محرم راز گشت | ببندند بر وی در بازگشت |
| ۲) عشق با سر بریده گوید راز | زانکه داند که سر بود غمّاز |
| ۳) راز درون پرده چه داند فلک؟ خموش | ای مدعی نزاع تو با پرده‌دار چیست؟ |
| ۴) گر فراطون به حکیمی مرض عشق بپوشد | عاقبت پرده بر افتد ز سر راز نهانش |

گزینه ۴ صحیح است. این تست کمی پیچیدگی دارد. گزینه‌های ۱ و ۲ کاملاً به هم مربوطند و می‌گویند عارف چیزی (راز عرفان) بروز نمی‌دهد. ۴ می‌گوید هیچ نمی‌تواند چیزی (راز عشق) را پنهان کند. گزینه ۳ هم می‌گوید حتی آسمان هم چیزی (راز درون پرده) را نمی‌داند [در نتیجه نمی‌تواند چیزی بروز دهد]. با این تفاسیل گزینه ۴ صحیح است. عمداً از لغت «چیز» استفاده کردم. هسته‌ی این تست بر «بروز دادن» است؛ حال چه چیزی بروز داده شود مهم نیست.

۱۰- مفهوم «گفتم بینمش مگرم درد اشتیاق ساکن شود بدیدم و مشتاق تر شدم» با کدام بیت یکسان است؟ (هنر - ۹۰)

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۱) گر دگری را شکیب، هست ز دیدار دوست | من نتوانم گرفت، بر سر آتش قرار |
| ۲) ما سیر انداختیم، گردن تسلیم پیش | گر بکشی حاکمی، ور بدهی زینهار |
| ۳) این همه بار احتمال، می‌کنم و می‌روم | اشتر مست از نشاط، گرم رود زیر بار |
| ۴) سعدی اگر داغ عشق، در تو مؤثر شود | فخر بود بنده را، داغ خداوندگار |

گزینه ۱ صحیح است. می‌گوید وقتی یار را می‌بینم نمی‌توانم آرامش داشته باشم.

۱۱- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟ (هنر - ۹۱)

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱) اندر این گیتی به فضل و رادی او را یار نیست | جز کریمی و عطابخشیدن او را کار نیست |
|---|-------------------------------------|

- ۲) کس نمی‌گوید که یاری داشت حق دوستی
 ۳) دلم را یاری از یاری ندیدم
 ۴) یاری اندر کس نمی‌بینیم یاران را چه شد؟!
 حق شناسان را چه حال افتاد یاران را چه شد
 غم را هیچ غمخواری ندیدم
 دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد؟!

گزینه ۱ صحیح است. این گزینه می‌گوید او یار خوبی است اما دیگر گزینه‌ها می‌گویند هیچ یار و دوستی وجود ندارد.

- ۱۲- مفهوم بیت «عشق را خواهی که تا پایان بری
 (هنر- ۹۱)
 بس که بیسندید باید ناپسند» به همه ابیات به جز بیت تناسب دارد.

- ۱) از حلاوت‌ها که دارد جور تو
 ۲) ای جفای تو ز دولت خوبتر
 ۳) ای بدی که تو کنی در خشم و جنگ
 ۴) گر فراق بنده از بد بندگی است
 وز لطافت کس نیابد غور [حقیقت] تو
 و انتقام تو ز جان محبوب تر
 با طرب تر از سماع و بانگ چنگ
 چون تو با بد کنی پس فرق چیست

گزینه ۴ صحیح است. دیگر گزینه‌ها به سختی کشیدن در راه عشق اشاره دارند اما این گزینه می‌گوید من را ببخش.

- ۱۳- در همه‌ی گزینه‌ها به استثنای ابیات دو به دو با هم تناسب مفهومی دارند. (هنر- ۹۱)
 ۱) به خاکپای عزیزت که عهد نشکستم
 ۲) عاشق از طعنه‌ی اغیار چه پروا دارد
 ۳) دامن شادی چو غم آسان نمی‌آید به دست
 ۴) ورنه هنری داری و هفتاد عیب
 ز من بریدی و با هیچ کس نپیوستم
 هنوز بر سر پیمان و عهد و سو گندم
 آتش از سرزنش خار چه پروا دارد
 بهل گر بگیرند بی کارها
 پسته را خون می‌شود دل تا لبی خندان کند
 ز دوستی که فراق است یا وصال است این
 دوست نبیند به جز آن یک هنر
 برو از دیده‌ی وامق نظر در حسن عذرا کن

گزینه ۳ صحیح است. بیت «دامن شادی...» می‌گوید خندانیدن سخت‌تر از گریاندن است اما بیت «چنان به یاد...» می‌گوید آن قدر دوست دارم که فرق نمی‌کند با تو باشم یا نباشم.

- ۱۴- مفهوم همه ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد. (زبان- ۹۰)
 ۱) مرا مگوی که سعدی طریق عشق رها کن
 ۲) پند حکیم محض صواب است و عین خیر
 ۳) حکایتی ز دهانت به گوش جان آمد
 ۴) من از کجا پند از کجا باده بگردان ساقیا
 سخن چه فایده گفتن چو پند می‌نیوشم
 فرخنده آن کسی که به سمع رضا شنید
 دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم
 آن جام جان افزای را بر ریز بر جان ساقیا

گزینه ۲ صحیح است. باقی گزینه‌ها در پندناپذیری عاشق است.

- ۱۵- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات یکسان نیست؟ (زبان- ۹۰)

- ۱) گر دوست بنده را بکشد یا بپرورد
 ۲) مرا رضای تو باید نه زندگانی خویش
 ۳) چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
 ۴) گر کام دوست، کشتن سعدی است باک نیست
 تسلیم از آن بنده و فرمان از آن دوست
 اگر مراد تو قتل است وارهان ای دوست
 که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست
 اینم حیات بس که بمیرم به کام دوست

گزینه ۳ صحیح است. مفهوم مشترک ۳ گزینه دیگر تسلیم محض است.

- ۱۶- «آن پریشانی شب های دراز و غم دل
همه در سایه‌ی گیسوی نگار آخر شد» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟ (زبان- ۹۰) [حذف]
- (۱) گر زمانه آیت شب محو کرد آیت روز از مهین اختر بزاد
- (۲) تهنیت باید که در باغ سخن گر شکوفه فوت شد نوبر بزاد
- (۳) یوسف صدیق چون بر بست نطق از قضا موسی پیغمبر بزاد
- (۴) چون به پایان شد ریاحین گل رسید چون سرآمد صبح صادق خور بزاد
- ۱۷- بیت : «بگفتا گر به سر یابیش خشنود
بگفت از گردن این وام افکنم زود» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟ (زبان- ۹۰)
- (۱) گر قلب دلم را نهد دوست عیاری من نقد روان دردمش از دیده شماره
- (۲) پروانه ی او گر رسدم در طلب جان چون شمع همان دم به دمی جان بسپارم
- (۳) حافظ لب لعلش چو مرا جان عزیز است عمری بود آن لحظه که جان را به لب آرام
- (۴) امروز مکش سر ز وفای من و اندیش زان شب که من از غم به دعا دست برآرم
- گزینه ۲ صحیح است. مفهوم این بیت جانبازی است.

- ۱۸- همه ابیات به استثنای با یکدیگر تناسب معنایی دارند. (زبان- ۹۱)
- (۱) تو خوش می باش با حافظ برو گو خصم جان می ده
چو گرمی از تو می بینم چه باک از خصم دم سردم
- (۲) بر آنم گر تو بازآیی که در پایت کنم جانی
وزین کمتر نشاید کرد در پای تو قربانی
- (۳) من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود
سرو جان را نتوان گفت که مقداری هست
- (۴) من در خور تو چه تحفه آرام
جان است و بهای یک نظر نیست
- گزینه ۴ صحیح است. مفهوم باقی گزینه‌ها جانبازی است.

- ۱۹- بیت زیر با مفهوم کدام بیت تناسب ندارد؟ (زبان- ۹۱)
- «به شادی و آسایش و خواب و خور
ندارند کاری دل افکارها»
- (۱) عاشقان را هست بی سرمایه سود
عاشقان را کار نبود با وجود
- (۲) عاشقی کار سری نیست که بر بالین است
خواب در عهد تو در چشم من آید هیاهات
- (۳) ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست
عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد
- (۴) عشق دعوی می کنی بار بلا بر دوش نه
نقد خود بر سنگ زن بنگر عیار خویش را
- گزینه ۱ صحیح است. مفهوم باقی گزینه‌ها سختی کشیدن در راه عشق است.

- ۲۰- مفهوم بیت : «او را خود التفات نبودی به صید من
من خویشتن اسیر کمند نظر شدم» با کدام بیت متناسب است؟ (زبان- ۹۱)
- (۱) تا دل نمی برم به کسی دل نمی دهم
صیاد من نخست گرفتار من شود
- (۲) چشم تو راست کرد به دل تیر غمزه را
شادم که التفات دلیل عنایت است
- (۳) گفت خود دادی با ما دل حافظا
ما محصل بر کسی نگماشتیم
- (۴) عشق می گوید به گوشم پست پست
صید بودن خوش تر از صیادی است
- گزینه ۳ صحیح است. می گوید عاشقی تقصیر چشم است.

- ۲۱- بیت «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟ (ریاضی- ۹۰)

- ۱) مناسب لب علت حدیث بایستی
 ۲) چرا و چون، نرسد بندگان مخلص را
 ۳) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
 ۴) هر آن چه بر سر آزادگان رود زیباست
- جواب تلخ بدیع است از آن دهان ای دوست
 رواست گر همه بد می کنی، بکن که نکوست
 که زنده ی ابد است آدمی که کشته اوست
 علی الخصوص که از دست یار زیبا خوست

گزینه ۲ صحیح است. «بدیع» یعنی عجیب. یعنی تو با لب و دهانی به این زیبایی چرا این قدر تلخ حرف می‌زنی؟! اعتراض می‌کند که این گونه حرف نزن. مثل این بیت سعدی: دلم از تو چون نرنجد که به وهم در ننگند/ که کلام تلخ گویی تو بدین شکردهانی!؟

۲۲- بیت: «بیزارم از وفای تو، یک روز و یک زمان
 مجموع اگر نشستم و خرسندم اگر شدم» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟ (ریاضی- ۹۱)

- ۱) اگر دانی که تا هستم نظر جز با تو پیوستم
 ۲) ز وفا چشم نمی دارم چون می دانم
 ۳) دلا بیزار شو از جان اگر جانان همی خواهی
 ۴) مرا به علت بیگانگی از خویشی مران
- پس آنگه بر من مسکین جفا کردی صوابستی
 که وفاداری در شیوه خوبان عار است
 که هر کو شمع جان جوید غم جانش نمی بینم
 که دوستان وفادار بهتر از خویشند

گزینه ۱ صحیح است. هر دو بیت به وفاداری عاشق اشاره دارند.

۲۳- مفهوم بیت: «چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب
 مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم» با کدام بیت متناسب است؟ (ریاضی- ۹۱)

- ۱) مستم ولی از روی او غرقم ولی در جوی او
 ۲) در جام می آویختم اندیشه را خون ریختم
 ۳) با دلبران و گلرخان چون گلبنان بشکفته ام
 ۴) روزی که عکس سرو وی او بر روی زرد من فتد
- از قند و از گلزار او چون گل شکر پرورده ام
 با یار خود آمیختم زیرا درون پرده ام
 با منکران دی صفت همچون خزان افسرده ام
 ماهی شوم رومی رخی، گر زنگی نو برده ام

گزینه ۴ صحیح است. هر دو بیت به ارزشمندی بواسطه‌ی عشق (یا معشوق) اشاره دارند.

۲۴- بیت: «آرزوهای دو عالم دستگاه
 از کف خاکم غباری بیش نیست» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟ (تجربی- ۹۰) [حذف]

- ۱) دریغ آیدت هر دو عالم خریدن
 ۲) هر دو عالم یک فروغ روی اوست
 ۳) فاش می گویم و از گفته خود دلشادم
 ۴) گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است
- اگر قدر نقدی که داری بدانی
 گفتمت پیدا و پنهان نیز هم
 بنده ی عشقم و از هر دو جهان آزادم
 اسیر عشق تو از هر دو عالم آزاد است
- ۲۵- «بیت بگفتا رو صبوری کن در این درد
 بگفت از جان صبوری چون توان کرد؟» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟ (تجربی- ۹۰)
- ۱) از من اکنون طمع صبر و دل و هوش مدار
 ۲) اگر چه صبر من از روی دوست ممکن نیست
 ۳) گفתי صبور باش به سودای عشق من
 ۴) هر نصیحت که کنی بشنوم ای یار عزیز
- کان تحمل که تو دیدی همه بر باد آمد
 همی کنم به ضرورت، چو صبر ماهی از آب
 وقتی که صبرم از دل شیدا گرفته ای
 صبرم از دوست مفرمای که من نتوانم

گزینه ۲ صحیح است. البته به یک معنا این تست غلط است. باقی گزینه‌ها صراحتاً می‌گویند نمی‌توانم صبوری کنم اما این گزینه می‌گوید من از تو صبوری می‌کنم. احتمالاً طراح محترم تست به همین بخش نظر داشته که این گزینه را جواب تست گرفته اما او باید به انتهای بیت دقت می‌کرده است: «چو صبر ماهی از آب» و این عبارت کنایه است از این که نمی‌توانم صبوری کنم. چه کار می‌شود کرد؟! تست است و باید نسبت به دیگر گزینه‌ها حتماً گزینه‌ای را انتخاب کرد.

۲۶- کدام دو بیت با یکدیگر تفاوت معنایی دارند؟ (تجربی- ۹۰)

- ۱) عشق دریایی کرانه ناپدید
 عشق دردانه است و من غواص و دریا میکده
- کی توان کردن شنا ای هوشمند
 سر فرو بردم من آنجا تا کجا سر بر کنم

- ۲) بهوش بودم از اول که دل به کس نسپارم
 رفتی و نمی شوی فراموش
- ۳) تو را ز کنگره ی عرش می زند صغیر
 پیک دلی پیرو شیطان مباح
- ۴) خاصان حق همیشه بلیت کشیده اند
 ای آشنای کوی محبت صبور باش
- شمایل تو بدیدم نه عقل ماند و نه هوشم
 می آیی و می روم من از هوش
 ندانمت که در این دامگه چه افتاده است
 شیر امیری، سگ دربان مباح
 هم بیشتر عنایت و هم بیشتر عنا (رنج)
 بیداد نیکوان همه بر آشنا رود

گزینه ۱ صحیح است. بیت «عشق دریایی...» به انتهایی عشق اشاره دارد اما بیت «عشق دردانه...» می گوید گوهر عشق را باید در دریای میکده جست و نه جای دیگر.

- ۲۷- بیت: «گوشم به راه تا که خبر می دهد ز دوست
 چون من از پای درافتادم و از دست شدم»
 (۱) چه دعاها کنم شگر خبری باز آرد
 (۲) از دل من غم و اندوه فراوان ببرد
 (۳) تا ذوق درونم خبری می دهد از دوست
 (۴) در خرابیات ز اسرار حقیقت صائب
 تا خبر یافتم از بی خبرانم کردند

گزینه ۴ صحیح است. از میان گزینه های بی ربط گزینه ۴ کمتر بی ربط است و این تست کاملا استناد دارد است و این روشی بسیار معمول است در تست قرابت. مفهوم مشترک بیت سوال و بیت ۴ بی خبری است.

سال سوم

- ۲۸- مفهوم بیت «چه باشد گر خورم صد سال تیمار
 چو بینم دوست را یک روز دیدار» با کدام بیت تناسب دارد؟ (ریاضی - ۹۰)
- (۱) خلق را بیدار باید بود از آب چشم من
 (۲) دوستان گویند سعدی خیمه بر گلزار زن
 (۳) نوک مژگانم به سرخی بر بیاض (سفیدی) روی زرد
 (۴) مراد اهل دل از دیر و کعبه بیرون است
 وین عجب کان وقت می گریم که کس بیدار نیست
 من گلی را دوست می دارم که در گلزار نیست
 قصه دل می نویسد حاجت گفتار نیست
 برون ز دایره کافر و مسلمان باش

۲۹- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات، تفاوت دارد؟ (تجربی - ۹۱)

- (۱) امیدوار چنانم که کار بسته بر آید
 (۲) شب فراق به صبح وصال انجامید
 (۳) دل از بی مرادی به فکرت مسوز
 (۴) ناامید از روشنی ای دل به تاریکی مباح
 وصال چون به سر آمد فراق هم به سر آید
 شکفته شو چو گل ای دل که گلغذار رسید
 شب آبستن است ای برادر به روز
 زان که شام هجر را صبح وصالی در پی است

گزینه ۲ صحیح است. دیگر گزینه ها در سختی ها به خود امید می دهند اما بیت ۲ می گوید خوبی رسید و امید برآمد.

سال دوم

- ۳۰- بیت: «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
 با دوستان مروت با دشمنان مدارا» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟
- (۱) مه نور از آن گرفت کز شب نرمید
 (۲) بختش یار است، هر که با یار بساخت
 (۳) اهل دل را به دل و اهل نظر را به نظر
 (۴) ما و دشمن دوستی، این رسم، رسم تازه ای است
 گل بوی بدان یافت که با خار بساخت
 بردارد کام، هر که با کار بساخت
 دوستداران زبان را به زبان باید جست
 ورنه هر مو بر تن ایام دشمن، دشمن است

گزینه ۴ صحیح است. باقی بیت ها از مدارا می گویند اما این بیت می گوید ما دمار از دشمنان برمی آریم!

۳۱- مفهوم «دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی» با کدام بیت متناسب است؟ (هنر - ۹۱)

- (۱) بهشت و بوستان بی دوست زشت است
 - (۲) جهان را چون رباطی با دو در دان
 - (۳) دست و پای زدیم در نگرقت
 - (۴) دیده‌ی یوسف‌شناسی نیست در مصر وجود
- به روی دوستان زندان بهشت است
که چون زین در درآیی بگذری زان
پشت پای زدیم و وارستیم
ورنه با این تیرگی زندان دنیا هم خوش است

گزینه ۲ صحیح است. هر و بیت می‌گویند از این دنیا بگذر تا به آن دنیا برسی.

۳۲- مفهوم بیت: «بشوی اوراق اگر همدرس مایی (زبان - ۹۱)

- (۱) حدیث عشق که از حرف و صوت مستغنی است
 - (۲) قلم را آن زبان نبود که سرّ عشق گوید باز
 - (۳) غیرت عشق زبان همه خاصان ببرد
 - (۴) مباحثی که در آن مجلس جنون می رفت
- به ناله دف و نی در خروش و ولوله بود
ورای حدّ تقریر است شرح آرزومندی
کز کجا سر غمش در دهن عام افتاد
ورای مدرسه و قال و قیل مسأله بود

گزینه ۳ صحیح است. دیگر گزینه‌ها می‌گویند عشق را نمی‌شود بیان کرد اما ایت می‌گویند نباید راز عشق را گفت.

۳۳- مفهوم بیت « تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش تا زین پس بیت تناسب دارد. (زبان - ۹۱)

- (۱) سرافکندگی کن که زلف نگار
 - (۲) مشو غافل ز گردیدن که روزی در قدم باشد
 - (۳) نشاید بهی یافت بی رنج و بیم
 - (۴) هر آن کس که بگریزد از کار کرد
- سر افزایش در سرافکندگی است
همین آوازه می آید ز سنگ آسیا بیرون
که بی رنج کس نارد از سنگ سیم
از او دور شد نام و ننگ نبرد

گزینه ۱ صحیح است. این بیت توصیه به واضح می‌کند اما ۳ بیت دیگر از لزوم تلاش کردن می‌گویند.

۳۴- مفهوم بیت :

«ور امروز اندرین منزل تو را جانی زیان آمد زهی سرمایه و سودا که فردا زان زیان بینی» کدام است؟ (تجربی - ۹۰)

- (۱) شهادت و پاداش فراوان آن در روز قیامت
- (۲) از خودگذشتگی برای کسب مال و سرمایه ی دنیوی
- (۳) پذیرش خسارت و خسران، به منظور سود فراوان
- (۴) تلاش زیاد برای کسب سرفرازی و عزت در این جهان

گزینه ۱ صحیح است. این تست زنگ تفریح بوده است، جدی نگیرید!

مضامین پر کاربرد ادبیات تعلیمی

- ۱- دعوت به سکوت: کاندرا صدف از نهفتگی گردد در
 - ۲- تقدیر: چو تو خود کنی اختر خویش را بد
 - ۳- تقدیر (متضاد بیت بالا): نوشته جاودان دیگر نگرده
 - ۴- قناعت: رنجه شد قانع ز دنیا تا چه ها
 - ۵- عبرت گرفتن: هان ای دل عبرت‌بین از دیده عبر کن هان!
- آن قطره که راز دل دریا باشد
مدار از فلک چشم نیک اختری را (اختیار)
در او سعی و عمل ضایع مگردان (جبر)
بر حریص جاهل احمق گذشت!
ایوان مداین را آینه‌ی عبرت دان

- ۶- دوست بد: دریغ و درد که تا این زمان ندانستم
- ۷- چاپلوسی: چه حاجت که نه کرسی آسمان
- ۸- پرورده‌گویی: کم گوی و گزیده گوی چون در
- ۹- صبر: گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
- ۱۰- دعوت به عمل نیک: صد بار بدی کردی و دیدی ثمرش را
- ۱۱- عمل مهم است نه سخن: سعدیا گرچه سخن‌دان و مصالح‌گویی
- ۱۲- ظلم: تا با سنگدل چه کند دود دل من
- ۱۳- تلاش: هر گه که تو طالب گهر خواهی بود
- که کیمیای سعادت رفیق بود رفیق!
 نهی زیر پای قزل ارسلان؟!
 تا ز اندک تو جهان شود پر
 آری شود ولیک به خون جگر شود (۱- ارزش صبر، ۲- سختی صبر)
 نیکی چه بدی داشت که یک بار نکردید!
 به عمل کار برآید به سخندانی نیست
 آیینه دانی که تاب آه ندارد؟!
 با کوه چو سنگ در کمر خواهی بود

ادبیات تعلیمی

سال چهارم

۳۵- مفهوم عبارت زیر با کدام بیت متناسب است؟

«مولانا فقر اختیاری را بر مکننت و تجمل رایج در دستگاه صدرالدین، شیخ الاسلام شهر، ترجیح می‌داد و از آن هیچ‌گونه ناخرسندی نشان نمی‌داد.» (انسانی - ۹۰) [حذف]

- ۱) کجا به خانه نشیند مگر بود محبوس کسی که پرورش او به باغ و بوستان است
- ۲) اگر چو سرو تهی‌دست می روی بر او مرو که او متنفر ز تنگدستان است
- ۳) هزار سختی اگر بر من آید آسان است که دوستی و ارادت هزار چندان است
- ۴) اگر قراضی زر بر کف است همچون گل ز نور عارض او مجلس گلستان است
- ۳۶- مفهوم عبارات «خاله‌ام با همه‌ی تمکنی که داشت به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود؛ نه از بخل، بلکه از آن جهت که به بیش‌تر از آن احتیاج نداشت.» با همه‌ی ابیات به جز بیت .. تناسب دارد. (انسانی - ۹۰)
- ۱) به پیغامی قناعت کرد از آن ماه به بادی دل نهاد از خاک آن راه
- ۲) چنین بود تا بود این تیره روز تو دل را به آرزو و فزونی مسوز
- ۳) چه سرمایه سازم که سودم دهد گفت اگر می توانی قناعت قناعت
- ۴) گرت نزهت همی باید به صحرای قناعت شو که آنجا باغ در باغ است و خوان در خوان و با در با [آش]

گزینه ۱ صحیح است و ابیات ربطی به سوال ندارند. در این بیت قناعت منفی است در باقی گزینه‌ها مثبت.

۳۷- مضمون و محتوای همه‌ی ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد. (انسانی - ۹۱)

- ۱) یک دسته گل دماغ پرور از خرمن صد گیاه بهتر
- ۲) می باش چو خار نیزه بر دوش تا خرمن گل کشی در آغوش
- ۳) آب ار چه همه زلال خیزد از خوردن پر ملال خیزد
- ۴) گر چه همه کویکی به تاب است افروختگی در آفتاب است

گزینه ۲ صحیح است. باقی گزینه‌ها در باب پرورده‌گویی است این بیت توصیه می‌کند به تحمل سختی.

- ۳۸- بیت: «فراون سخن باشد آگنده گوش نصیحت نگیرد مگر در خموش» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟ (هنر-۹۰)
- ۱) گرچه دانی که نشنوند بگوی هرچه دانی ز نیک خواهی و پند
- ۲) صد سخن در سینه و قادر بر اظهارش نیم کاشکی دوشینه می‌کردم که فرصت داشتم
- ۳) حاصل هر دو جهان را به سخن گر بدهند مگشا لب، چه توان یافت به از خاموشی

۴) طوطی خوش لهجهام خاموشیم از حیرت است صد زبان دارم ولی راه زبان گم کرده‌ام

گزینه ۳ صحیح است. هر دو بیت توصیه به سکوت می‌کنند.

۳۹- عبارت «مرغ چون از زمین پرد، اگر چه به آسمان نرسد این قدر باشد که از دام دور باشد.» با کدام عبارت معنای یکسانی دارد؟ (هنر-۹۰) [حذف]

- ۱) با تسلیم به طریقت، پای روح از قید تعلق خاک می‌رهد و مانعی برای پروازش نمی‌ماند.
 - ۲) درویشی را مرادف بی‌نیازی می‌شمرد و آن را مایه‌ی سبک باری دل و تعالی روح می‌یافت.
 - ۳) زندگی مولانا، با قناعت و گاه با قرض می‌گذشت اما این فقر اختیاری را بر مکنّت و تجمّل ترجیح می‌داد.
 - ۴) مردی آن است که آزاد باشی از این جهان و خود را غریب دانی و در هر رنگی که بنگری دانی که به آن نمایی.
- ۴۰- مفهوم «درویش» در کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟ (هنر-۹۰) [حذف]

- ۱) مگو جاهی از سلطنت بیش نیست که ایمن‌تر از ملک درویش نیست
 - ۲) درویش را نباشد برگ سرای سلطان مائیم و کهنه دلقی کآتش در آن توان زد
 - ۳) دو عالم چیست تا در چشم اینان قیمتی دارد دویی هرگز نباشد در دل یکتای درویشان
 - ۴) خدا را رحمی ای منعم که درویش سر کویت دری دیگر نمی‌داند رهی دیگر نمی‌گیرد
- ۴۱- متن زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟ (ریاضی-۹۰)

«پس هر کسی سنگی می‌انداختند. شلی موافقت را گلی انداخت. حسین بن منصور آهی کرد؛ گفتند: «از این همه سنگ چرا هیچ آه نکردی، از گلی آه کردن، چه سر است؟» گفت: «آن‌ها که نمی‌دانند معذورند؛ از او سختم می‌آید که می‌داند که نمی‌باید انداخت.»

- ۱) به خون بهای منت کس مطالبت نکند حلال باشد خونی که دوستان ریزند
- ۲) هزار دشمن اگر بر سرند سعدی را به دوستی که نگوید به جز حکایت دوست
- ۳) دوستی با تو حرام است که چشمان خوشت خون عشاق بریزند و حلالش دارند
- ۴) طمع از دوست نه این بود و توقع نه چنین مکن ای دوست که از دوست جفا نپسندند

گزینه ۴ صحیح است. زیرا گلایه می‌کنند اما دیگر ابیات شکایتی نمی‌کنند.

۴۲- بیت «اگر پای در دامن آری چو کوه سرت ز آسمان بگذرد در شکوه» با کدام بیت، قرابت معنایی ندارد؟ (ریاضی - ۹۱)

- ۱) زبان آمد از بهر شکر و سپاس به غیبت نگرداندش حق شناس
- ۲) چو غنچه گرت بسته بودی دهن دریده ندیدی چو گل پیرهن
- ۳) صدف وار گوهر شناسان راز دهان جز به لؤلؤ نکردند باز
- ۴) نخواهی که باشی چو دف روی ریش چو چنگ ای برادر سر انداز پیش

گزینه ۳ صحیح است. باقی ابیات هر یک به نوعی دعوت به سکوت می‌کنند اما این بیت می‌گوید پرورد بگو.

۴۳- مفهوم «گرفتن» در بیت «فراوان سخن باشد آکنده گوش نصیحت نگیرد مگر در خموش» با کدام بیت یکسان است؟ (تجربی - ۹۰)

- ۱) سرچشمه باید گرفتن به بیل چو پر شد نشاید گذشتن به بیل
- ۲) تو ایران سپه را همه کشته گیر وگر زنده از رزم بر گشته گیر
- ۳) از هزاران در یکی گیرد سماع زان که هر کس محرم پیغام نیست
- ۴) حافظ ار خصم خطا کرد نگیریم بر او ور به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم

گزینه ۳ صحیح است. هر دو بیت از تاثیر سخن در آدمی سخن می‌گویند.

۴۴- مفهوم بیت «گرت هموار باید کامکاری ز مور آموز رسم بردباری» با کدام بیت متناسب است؟ (تجربی - ۹۱)

- ۱) تو نمی‌بینی که یار بردبار چون که با او ضد شوری گردد چو مار

- (۲) با جاهل و بی خرد درشتم
 (۳) گر بردبار باشم و هشیار و نیک مرد
 (۴) به هر چه رود دهد آئینه وار می سازم
- با عاقل، نرم و بردبارم
 دشمن گمان برد که بترسیدم از نبرد
 زمانه منفعل از طبع بردبار من است

پزینه ۴ صحیح است. هر دو بیت به بردباری توصیه می کنند.

۴۵- مفهوم عبارات «در گذر از کویی، یک روز دو تن را در حال نزاع دید. یکی به دیگر پرخاش می کرد که اگر یکی به من گویی، هزار بشنوی، مولانا روی به آن دیگری کرد و گفت: هر چه خواهی به من گوی که اگر هزار گویی، یکی هم نشنوی.» با همه ی ابیات به استثنای بیت متناسب است. (تجربی- ۹۱) [حذف]

- (۱) حلم پیش آور به هنگام غضب
 (۲) لنگر حلم تو ای کشتی توفیق کجاست
 (۳) از صدف یاد گیر نکته حلم
 (۴) کم مباش از درخت سایه فکن
- تا شوی مقبول و محرم نزد رب
 که در این بحر کرم غرق گناه آمده ایم
 آن که برد سرت گهر بخشش
 هر که سنگت زند ثمربخشش

سال سوم

- ۴۶- بیت «نیک و بد چون همی بیاید مرد
 (۱) غم و شادمانی نماند و لیک
 (۲) نیکی نبود سزای بد کرداری
 (۳) نیک باشی و بدت گوید خلق
 (۴) شادی بی غم در این بازار نیست
- خنک آن کس که گوی نیکی برد» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟ «انسانی- ۹۰»
 جزای عمل ماند و نام نیک
 بد می کنی و نیک طمع می داری
 به که بد باشی و نیکت بینند
 گنج بی مار و گل بی خار نیست

گزینه ۱ صحیح است. هر دو بیت می گویند آدمی می میرد اما خوبی هایش می ماند.

- ۴۷- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟ (تجربی- ۹۰)
 (۱) سخن رفتشان یک به یک بر زبان
 (۲) گله ی ما را گله از گرگ نیست
 (۳) نخل این بستان ز بار خویشتن یابد شکست
 (۴) آسیب جهان بیش رسد گوشه نشین را
- که از ماست بر ما بد آسمان
 کاین همه بیداد شبان می کند
 هیچ کس از زاده ی خود خیر در دنیا ندید
 دامی نبود در ره آن صید که رام است

گزینه ۴ صحیح است. دیگر گزینه ها می گویند هر بدی که به آدمی می رسد از خود او می رسد.

۴۸- مفهوم «این بوسهل مردی امام زاده و محتشم و فاضل و ادیب بود اما شرارت و زعارتی در طبع وی موکد شده - و لا تبدیل لخلق الله - و با آن شرارت، دل سوزی نداشت.» با همه گزینه ها به جز گزینه متناسب است. (تجربی- ۹۰)

- (۱) بید را گر بپروردند چو عود
 (۲) چون بود اصل گوهری قابل
 (۳) هر که در اصل بدنهاد افتاد
 (۴) زان که هرگز به جهد نتوان کرد
- بر نیاید نسیم عود از بید
 تربیت را در او اثر باشد
 هیچ نیکی از او مدار امید
 از کلاغ سیاه باز سپید

گزینه ۳ صحیح است. همه ی گزینه ها به جبر اشاره دارند اما بیت ۳ از تاثیر تربیت سخن می گوید اما دیگر گزینه ها از موثر نبودن آن.

۴۹- دلیل پرهیز از تنعم و عدم پذیرش صله، در کدام عبارت، متفاوت است؟ (تجربی- ۹۱)

- (۱) چون به آن چه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این چه به کار آید؟
 (۲) به زندگی درویشانه قناعت کرده بود، نه از بخل بلکه از آن جهت که به بیش تر از آن احتیاج نداشت.

۳) آن چه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.

۴) بر من پوشیده است که آن غزوه ها بر طریق مصطفی هست یا نه، من این نپذیرم و در عهده این نشوم.

گزینه ۴ صحیح است. دیگر گزینه‌ها دلیل را قناعت ذکر می‌کنند اما این بیت می‌گوید شک دارم که این پول حلال است یا حرام.

سال دوم

۵۰- عبارت «ما اکثر العبر و اقل الاعتبار» منسوب به علی (ع) با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟ (هنر- ۹۰)

- | | |
|---------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) هر گل نو ز گلرخی یاد همی کند ولی | گوش سخن شنو کجا دیده‌ی اعتبار کو |
| ۲) این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود | هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار |
| ۳) همت بلند دار که نزد خدا و خلق | باشد به قدر همت تو اعتبار تو |
| ۴) چندین هزار منظر زیبا بیافرید | تا کیست کو نظر ز سر اعتبار کرد |

گزینه ۳ صحیح است. این گزینه می‌گوید همت را بلند دار اما دیگر گزینه‌ها می‌گویند تفکر کن و عبرت بگیر.

۵۱- مفهوم همه ابیات به استثنای بیت با یکدیگر قرابت دارد. (زبان - ۹۱)

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------------|
| ۱) از بدان جز بدی نیاموزی | نکند گرگ پوستین دوزی |
| ۲) بشوی ای خردمند از آن دوست دست | که با دشمنان بود هم نشست |
| ۳) درگذر از کوره‌ی آهنگران | کآتش و دودی رسد از هر کران |
| ۴) نخست موعظه‌ی پیر می فروش این است | که از مصاحب ناجنس احتراز کنید |

گزینه ۲ صحیح است. دیگر گزینه‌ها می‌گویند دوست ناباب نداشته باش اما این بیت می‌گوید آن که با دشمن تو نیز دوست است، دوست تو نیست.

۵۲- مفهوم بیت «سعدیا گرچه سخن دان و مصالح گویی است. (ریاضی- ۹۰)

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۱) ز بهر سود کسان گو نه بهر شهرت خویش | که قول بی غرضان در جهان سمر گردد |
| ۲) حافظ خام طمع شرمی از این قصه بدار | عملت چیست که فردوس برین می خواهی |
| ۳) جایی که یقین باشد شک را چه محل باشد | ظلمت به کجا ماند با نور که بستیزد |
| ۴) آن چیز کزین پیش گمان بود یقین گشت | دانی نتوان داد یقینی به گمانی |

گزینه ۱ صحیح است. این تست جدا تست بدی است. فقط به منطق تستی می‌شود این تست رازد چون گزینه ۱ می‌گوید سخن بگو اما باقی گزینه‌ها این را نمی‌گویند و بیت سوال هم می‌گوید سخن ارزشی ندارد.

۵۳- معنی «الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم» با کدام «رباعی» یکسان است؟ (ریاضی- ۹۱)

- | | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) ظلم از دل و دست ملک نیرو ببرد | عادل ز زمانه نام نیکو ببرد |
| گر تقویت ملک بری ملک بری | ور تو نکنی هر که کند او ببرد |
| ۲) بس چون تو ملک زمانه بر تخت نشاند | هر یک به مراد خویشان ملکی راند |
| از جمله بماند و دور گیتی به تو داد | دریاب که از تو هم چنین خواهد ماند |
| ۳) از ظلم حذر کن اگر ت باید ملک | در سایه معدلت بیاساید ملک |
| با کفر توان ملک نگه داشت ولی | با ظلم و ستمگری نمی پاید ملک |
| ۴) نه هر که ستمت بر دگری بتواند | بی باک چنان که می رود می راند |
| پیداست که هامر و نهی تا کی ماند | ناچار زمانه داد خود بستاند |

گزینه ۲ صحیح است. این گزینه فقط می‌گوید روزگار به هیچ کس وفا نکرده است و نوبت سلطنت تو نیز می‌گذرد.

۵۴- مفهوم عبارات «کجا هستید پادشاهانی که به هنگام نوشیدن ساغر مرگ، در این کاخ ها فرمانروایی می کردند؟ چه بناهایی که صبح برپا بود و عصر ویران گشت!» با همه ابیات به استثنای بیت تناسب دارد. (ریاضی- ۹۱)

- ۱) خون دل شریک است آن می که دهد رزین ز آب و گل پرویز است آن خم که نهد دهقان
- ۲) چندین تن جباران کاین خاک فروخورده است این گرسنه چشم آخر هم سیر نشد زایشان
- ۳) گفتی که کجا رفتند آن تاجوران اینک ز ایشان شکم خاک است آستن جاویدان
- ۴) پرویز به هر بومی زرین تره آوردی کردی ز بساط زر زرین تره را بستان

گزینه ۴ صحیح است. دیگر گزینه‌ها از مرگ شاهان می‌گویند اما این توصیف تجملات سفره خسرو پرویز است.

۵۵- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟ (ریاضی- ۹۱)

- ۱) آتش به دو دست خویش در خرمن خویش من خود زده‌ام چه نالم از دشمن خویش
- ۲) گر چه دانم که نیک بد کردم چه توان کرد چون که خود کردم
- ۳) کفن بر تن تند هر کرم پيله برآرد آتش از خود هر چناری
- ۴) من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من تو نیک نبینی و به من بد نرسد

گزینه ۴ صحیح است. دیگر گزینه‌ها می‌گویند هر بدی که به کسی می‌رسد از جانب خود اوست اما این بیت می‌گوید من برای تو خوب می‌خواهم اما تو برای من بد می‌خواهی. این تست را می‌شد در ادبیات ۳ (از ماست که بر ماست) یا آورده‌اند که... (عیسی (ع) و ابلهی که با وی دچار شد) هم آورد اما من آن را دلیل درس خسرو (که ضرر اعتیاد و ضرر زدن به خود است) آوردم تا شما هیچ وقت سمت اعتیاد نروید!

۵۶- مفهوم عبارت «حسودان تنگ نظر و عنودان بد گهر وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند، بی سر و صدا به گوشه ای خزید و دیگر مرد میدان نبود.» از کدام بیت دریافت نمی‌شود؟ (تجربی- ۹۰)

- ۱) حسد آنجا که آتش افروزد خرمن عقل و عاقبت سوزد
- ۲) حسد مرد را دل به درد آورد میان دو آزاده گرد آورد
- ۳) ز بس رنج و آفت که در زندگی است حسد می برم مردگان را به مرگ
- ۴) حسد برد بدگوی در کار من بتر شد بر شاه بازار من

گزینه ۳ صحیح است. البته گزینه‌ها هیچ ربطی به متن سوال ندارند. ۳ گزینه می‌گویند حسودی بد است اما گزینه ۳ می‌گوید ان قدر زندگییم بد است که آرزوی مرگ می‌کنم!

آورده‌اند که... بیاموزیم، شعر حفظی

سال سوم

- ۵۷- بیت : «امیدوار بود آدمی به خیر کسان
- ۱) گاهی از خاک درت مرهم به زخم ما ببند این چنین مگذار ما را یا رها کن یا ببند
 - ۲) مرا وصال نباید همان امید خوش است نه هر که رفت، رسید و نه هر که کشت، درود
 - ۳) سنان جور بر دل ریش کم زن چو مرهم می نسازی نیش کم زن
 - ۴) از پیش کسی کار کسی نگشاید امید به کردگار می‌باید داشت

گزینه ۳ صحیح است. این بیت می‌گوید اگر لطف نمی‌کنی حداقل ستم نکن.

۵۸- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟ (زبان- ۹۱)

- ۱) اگر باری ز دوشم بر نداری چرا باری به سر بام گذاری
- ۲) امیدوار بود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان

۳) گرت ز دست برآید مراد خاطر ما به دست باش که خیری به جای خویشتن است

۴) گر در جهان دلی ز تو خرم نمی شود باری چنان مکن که شود خاطری حزین

گزینه ۳ صحیح است. باقی ابیات می گویند اگر لطف نمی کنی حداقل ستم نکن اما بیت ۳ می گوید اگر می توانی خوبی کنی آن را انجام بده.

سال دوم

۵۹- مضمون عبارت «پس خویشتن مرده کرد و بر روی آب می رفت، صیاد او را برداشت و چون صورت شد که مرده است بینداخت به حیلت خویشتن در

جوی افکنند» با کدام بیت تناسب ندارد؟ (انسانی - ۹۰)

۱) زنده کدام است بر هوشیار آن که بمیرد به سر کوی یار

۲) ای حیات عاشقان در مردگی دل نیابی جز که در دل بردگی

۳) مردم در این فراق و در آن پرده راه نیست یا هست و پرده دار نشانم نمی دهد

۴) بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر می زندگی خواهی که ادريس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما

۵) گزینه ۳ صحیح است. ۳ بیت دیگر به موت اختیاری و قطعه تعلقات دنیوی اشاره دارند اما در بیت ۳ «مردم» کنایه از شدت شوق و سختی کشیدن است.

۶۰- بیت: «دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست جای چشم ابرو نگیرد، گر چه او بالاتر است» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟ (انسانی - ۹۱)

۱) گر زاغ سیه باغ ز بلبل بستاند دستان نتواند زدن و ناورد الحان

۲) چشم فلک است این که بدو تیره زمین را هموار همی بیند این گنبد گردان

۳) هر چند که بر منبر نادان بنشینند هرگز نشود همبر با دانا، نادان

۴) چون ابر بلند است سیه دود و لیکن از دود جدا گشت سیه ابر به باران

گزینه ۲ صحیح است. این بیت می گوید روزگار همه را یکسان می بیند اما دیگر بیتها می گویند در هر حال نادان و دانا مثل هم نیستند. دقت کنید گزینه های ۳ و ۴ کاملاً مرتبط اند. بحث بر سر گزینه ۱ و ۲ است. در گزینه ۱ حداقل بحث بر سر خوبی و بدی است.

۶۱- مفهوم «یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه» با کدام بیت تناسب دارد؟ (انسانی - ۹۱)

۱) مردی است سخا پیشه و مردی است عطا بخش با خلق نکوکار به کردار و به گفتار

۲) سخای ابر از آن آمد جهان گیر که در طفلی گیاهی را دهد شیر

۳) دریای لطف اوست و گر نه سحاب کیست تا بر زمین مشرق و مغرب کند سخا

۴) گرچه مورم ولی آن حوصله با خود دارم که ببخشم بود ار ملک سلیمان از من

گزینه ۴ صحیح است. اگرچه خودش ضعیف است (مورچه) اما باز هم می بخشد.

۶۲- مفهوم «ما به فلک بوده ایم یار ملک بوده ایم باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست» با کدام بیت متناسب نیست؟ (هنر - ۹۰)

۱) طایر گلش قدسم چه دهم شرح فراق که در این دامگه حادثه چون افتادم

۲) ترا ز کنگره عرش می زند صغیر ندانمت که در این دامگه چه افتاد است

۳) که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است

۴) بزمگاهی دل نشین چون قصر فردوس برین گلشنی پیرانش چون روضه دارالسلام

گزینه ۴ صحیح است. باقی ابیات می گویند انسان از عالم بالا آمده و به آن جا تعلق دارد.

۶۳- بیت: «از خلاف آمد عادت بطلب کام که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» با همه ی ابیات به استثنای بیت قرابت

مفهومی دارد. (هنر - ۹۱)

۱) ترک آسایش اگر لذت ندارد پس چرا گل به آن نازک تنی از خاربستر می کند

- ۲) چگونه از سر کویت توان کشیدن پای
 ۳) نرگس او با دل بیمار من الفت گرفت
 ۴) نشسته خیل غمش در دل شکسته‌ی من
- که کرده هر سر موی تو پای بست مرا
 عاقبت درد محبت عین درمان شد مرا
 درست شد همه کاری از این شکست مرا

گزینه ۲ صحیح است. غیر از این بیت بنای همه‌ی ابیات بر متناقض‌نما است.

۶۴- مفهوم کلی کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟ (زبان- ۹۰)

- ۱) از خلاف آمد عادت بطلب کام که من
 ۲) گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد
 ۳) زلف آشفته‌ی او موجب جمعیت ماست
 ۴) اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد
- کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم
 گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید
 چون چنین است پس آشفته ترش باید کرد
 گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست

گزینه ۴ صحیح است. غیر از این بیت بنای همه‌ی ابیات بر متناقض‌نما است.

۶۵- ابیات زیر با کدام بیت تقابل معنایی ندارد؟ (ریاضی- ۹۱)

- «کهنتری را که مهتری یابد
 هم بدان چشم کهنتری منگر
 خرد شاخی که شد درخت بزرگ
 در بزرگیش سرسری منگر»
- ۱) نگوید کس که ناکس جز به چاه است
 ۲) هر آن کهنتر که با مهتر ستیزد
 ۳) همی دانم که گر فربه شود سگ
 ۴) هرگز به مال و جاه نگردد بزرگ نام
- اگر چه بر شود ناکس به کیوان
 چنان افتد که هرگز برنخیزد
 نه خامم خورد شاید زو نه بربان
 بد گوهری که خبث طبیعتش در رگ است

گزینه ۲ صحیح است. ابیات گزینه‌ها کلا با شعر سوال ربطی ندارند اما تست را می‌شود زد. ۳ گزینه می‌گویند آدم بی‌ارزش در هر حالی بی‌ارزش است اما گزینه ۲ می‌گوید نباید با بزرگان درگیر شد.

۶۶- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟ (تجربی- ۹۱)

- ۱) گر بپوسم همچو دانه عاقبت نخلی شوم
 ۲) که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین
 ۳) خود ز فلک برتریم وز ملک افزون تریم
 ۴) چرا به عالم اصلی خویش وا نروم
- زان که جمله چیزها، چیزی ز بی چیزی شده است
 نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است
 زین دو چرا نگذریم؟ منزل ما کبریاست
 دل از کجا و تماشای خاکدان ز کجا

گزینه ۱ صحیح است. باقی گزینه‌ها شوق به مبدا را بیان می‌کنند اما این بیت می‌گوید نباید از مرگ هراسید.

۶۷- مفهوم عبارت: «به سرش ندا آمد که بایزید، هنوز تویی تو همراه توست، اگر خواهی که به ما رسی، خود را بر در بگذار و درآی.» با همه ابیات به استثنای بیت تناسب دارد. (تجربی- ۹۱)

- ۱) نشود تا دلت از قید علایق آزاد
 ۲) جان تو را باید و باید غم تن چند خوری
 ۳) ای که داری هوس طلعت جانان دیدن
 ۴) آن جمالی که فروغش کمر کوه شکست
- نتوان جلوه آن سرو خرامان دیدن
 بگذر از تن اگر هست سر جان دیدن
 نیست باید شدنت وانگهش آسان دیدن
 کی توان از نظر موسی عمران دیدن

گزینه ۴ صحیح است. باقی گزینه‌ها هر یک به نوعی از فنا سخن می‌گویند اما این بیت می‌گوید خدا را نمی‌توان دید.

- ۱- بلند نظری: تو طوبی و ماو قامت یار
فکر هر کس به قدر همت اوست
- ۲- بی توجهی به دنیا و حتی بهشت: چو طفلان تا کی ای زاهد فریبی
به سیب بوستان و شهد و شیرم
- ۳- وحدت وجود: که یکی هست و هیچ نیست جز او
وحده لا اله الا هو

ادبیات عرفانی سال سوم

- ۶۸- بیت: «هر که داند گفت با خورشید راز کی تواند ماند از یک ذره باز» با کدام بیت قرابت معنایی دارد؟ (انسانی - ۹۰)
- (۱) کمتر از ذره نه ای پست مشو عشق بورز تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ زنان
- (۲) ذره ذره کاندرین ارض و سماست جنس خود را همچو گاه و کهرباست
- (۳) غلط گفتم ز ذره کمتر است این که زی خورشید انور می فرستم
- (۴) هزار ذره اگر کم شود ز روی هوا به ذره ای نرسد آفتاب را نقصان

گزینه ۱ صحیح است. در هر دو بیت خورشید استعاره از خداست.

- ۶۹- کدام بیت بیانگر وادی ششم از هفت وادی عرفان در منطق الطیر است؟ (انسانی - ۹۰)
- (۱) عین وادی فراموشی بود لنگی و کری و بی هوشی بود
- (۲) گر بسی بینی عدد گر اندکی آن یکی باشد در این ره در یکی
- (۳) هر چه زد توحید بر جانم رقم جمله گم گردد از او گم نیز هم
- (۴) گر در این دریا هزاران جان فتاد شبنمی در بحر بی پایان فتاد

گزینه ۳ صحیح است.

- ۷۰- مفهوم بیت: «بی سر و پا گدای آن جا را سر ز ملک جهان گران بینی» از کدام بیت دریافت می شود؟ (هنر - ۹۱)
- (۱) به گدایی بگفتم ای نادان دین به دنیا مده تو از پی نان
- (۲) گدا را چو حاصل شود نان شام چنان خوش بخسبد که سلطان شام
- (۳) گدایی در جانان به سلطنت مفروش کسی ز سایه ای این در به آفتاب رود؟
- (۴) گر گدا پیش رو لشکر اسلام بود کافر از بیم توقع برود تا در چین

گزینه ۳ صحیح است. در دیگر گزینه ها گدایی منفی است اما در این بیت مثبت.

- ۷۱- مفهوم «وحدت وجود» از کدام بیت دریافت می شود؟ (هنر - ۹۱)
- (۱) تا به گفتار درآمد دهن شیرینت بیم آن است که شوری به جهان درفکنم
- (۲) شرط عقل است که مردم بگریزند از تیر من گر از دست تو باشد مژه برهم نزنم
- (۳) گر به خون تشنه ای اینک من و سر باکی نیست که به فتراک تو به زان که بود بر بدنم
- (۴) پیرهن می بدرم دم به دم از غایت شوق که وجودم همه او گشت و من این پیرهنم

گزینه ۴ صحیح است. به سبب مصرع دوم: «که وجودم همه او گشت».

- ۷۲- مفهوم بیت: «دل هر ذره را که بشکافی آفتابیش در میان بینی» با کدام بیت ارتباط ندارد؟ (زبان - ۹۰)
- (۱) در او در جمع گشته هر دو عالم گهی ابلیس گردد گاه آدم
- (۲) به زیر پرده هر ذره پنهان جمال جان فزای روی جانان
- (۳) بدین خردی که آمد حبه دل خداوند دو عالم راست منزل

گزینه ۱ صحیح است. دیگر گزینه‌ها به وحدت وجود اشاره دارند اما این بیت توصیف آدم است.

- ۷۳- بیت : «شمع جویی و آفتاب بلند
چرا صدف نکند چاک سینه را صائب (۱)
روز بس روشن و تو در شب تار» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟ (ریاضی - ۹۰)
در این زمانه که گوهر شناس نایاب است
از خود نشانسان مطلب دیده حق بین (۲)
حق را چه شناسند ز خود بی خبری چند
جانا چو سرو سرکش از سایه سرکشیدی (۳)
جانا چو سرو سرکش از سایه سرکشیدی
ما عبث در سینه ی دریا نفس را سوختیم (۴)
گوهر مقصود در دامان ساحل بوده است

گزینه ۴ صحیح است. این گزینه مطلب قابل حصول بود اما ما به آن دست نیافتیم.

- ۷۴- مفهوم بیت : «هم در آن پا برهنه جمعی را
پای بر فرق فرقدان بینی» با کدام بیت تناسب دارد؟ (ریاضی - ۹۱)
پای پیش و پای پس در راه دین (۱)
می نهد با صد تردد بی یقین
دست قدرت نگر و منصب صاحب جاهی (۲)
خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای
کز دست غمش جامه جان چاک نکردند (۳)
من طایفه ای بر سر آن کوی ندیدم
هر که پا از حد خود برتر نهد (۴)
سر دهد بر باد و تن بر سر نهد

گزینه ۲ صحیح است. مقام عرفا را بیان می کند که علی رغم فقر ظاهری غنای باطنی دارند.

تحمیدیه

مضامین مشترک تحمیدیه

- ۱- هر کسی نمی فهمد: پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش
۲- هم درد و هم درمان: از دوست به یادگار دردی دارم
۳- تعز من تشاء: یکی را همی تاج شاهی دهد
۴- عجز عقل: عقلی که جهان کمینه سرمایه ی اوست
۵- صبا: صبا در آن سر زلف ار دل مرا دیدی
که مگو حال دل سوخته با خامی چند
کآن درد به صد هزار درمان ندهم
یکی را به دریا به ماهی دهد
در وصف تو عجز برترین پایه ی اوست
ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد

سال چهارم

۷۵- مفهوم همه ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد. (انسانی - ۹۰)

- ۱) در نیابد حال پخته هیچ خام
پس سخن کوتاه باید والسلام
۲) بسیار سفر باید تا پخته شود خامی
صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی
۳) با نیم پختگان نتوان گفت سوز عشق
خام از عذاب سوختگان بی خبر بود
۴) پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش
که مگو حال دل سوخته با خامی چند

گزینه ۲ صحیح است. دیگر گزینه‌ها می گویند حال دردکشیده را دردکشیده می داند و بس.

۷۶- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟ (زبان - ۹۰)

- ۱) ای درد و غم تو راحت دل
هم مرهم و هم جراحی دل
۲) دردم از یار است و درمان نیز هم
دل فدای او شد و جان نیز هم
۳) همچو نی زهری و تریاقی که دید
همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟

۴) دردی است درد عشق که هیچش طبیب نیست

گر دردمند عشق بنالد غریب نیست

گزینه ۴ صحیح است. باقی گزینه‌ها می‌گویند یار هم درد است و هم درمان.

۷۷- مفهوم کدام بیت با توجه به آیه «تعز من تشاء و تذلل من تشاء» متفاوت است؟ (ریاضی - ۹۰)

- ۶- یکی را همی تاج شاهی دهد
- ۷- یکی را که در بند بینی مخند
- ۸- یکی را ز ماهی رساند به ماه
- ۹- یکی را دهد تاج و تخت بلند
- یکی را به دریا به ماهی دهد
- مبادا که روزی درافتی به بند
- یکی را زمه اندر آرد به چاه
- یکی را کند خوار و زار و نژند

گزینه ۲ صحیح است. این بیت می‌گوید ضعیفان را مسخره نکن زیرا ممکن است خودت هم روزی ضعیف شوی.

سال سوم

۷۸- مفهوم «گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز» با همه ابیات به استثنای بیت تناسب دارد. (هنر - ۹۱)

- ۱) آن دهان نیست که در وصف سخندان آید
- ۲) چون سخن در وصف این حالت رسید
- ۳) خدای را به صفات زمانه وصف مکن
- ۴) وصف خوبی او چه دانم گفت
- مگر اندر سخن آیی و بدانم که لب است
- هم قلم بشکست و هم کاغذ درید
- که هر سه وصف زمانه است هست و باید و بود
- هر چه گویم هزار چندین است

گزینه ۱ صحیح است. می‌گوید آن قدر دهانت کوچک است که تا حرف نرنی کسی نمی‌فهمد تو دهان داری اما باقی گزینه‌ها می‌گویند امری را نمی‌شود توصیف کرد.

سال دوم

۷۹- ویژگی شاعرانه باد صبا در همه ابیات به استثنای مشترک است. (زبان - ۹۱)

- ۱) ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند
- ۲) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
- ۳) هر صبح و شام قافله ای از دعای خیر
- ۴) من و باد صبا نالان دو سرگردان بی حاصل
- گر از آن یار سفر کرده پیامی داری
- که سر به کوه و بیابان تو داده ای ما را
- در صحبت شمال و صبا می فرستم
- من از افسون چشمت مست و او از تاب گیسویت

گزینه ۴ صحیح است. در دیگر گزینه‌ها باد نماد پیام‌رسانی است اما در این گزینه عاشق است.

۸۰- مفهوم همه ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد. (ریاضی - ۹۱)

- ۱) از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح
- ۲) ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند
- ۳) با صبا افتان و خیزان می روم تا کوی دوست
- ۴) من ای صبا ره رفتن به کوی دوست ندانم
- بوی زلف تو همان مونس جان است مرا
- گر از آن یار سفر کرده پیامی داری
- وز رفیقان ره استمداد همت می کنم
- تو می روی به سلامت سلام ما برسانی

گزینه ۳ صحیح است. در دیگر گزینه‌ها صبا پیام‌رسان است چون با او گفتگو می‌شود اما در این بیت راهنما است.

ترکیب‌های سال سوم

۸۱- مفاهیم «علو درجه، عاقبت اندیشی، متوسل شدن، کار طاقت فرسا، اغفال نشدن» به ترتیب از کدام ابیات دریافت می‌شود؟ (زبان - ۹۰)

الف) باید به مژگان رفت گرد از طور سینین

باید به سینه رفت زین جا تا فلسطین

- (ب) هر که شدت حلقه در زود برد حقه زر
 (ج) بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر
 (د) گر پر از لاله سیراب بود دامن کوه
 (ه) ای طاق نهم رواق بالا

(۱) الف، ج، ب، ه، د

(۳) ه، ج، ب، الف، د

(۴) ج، ه، ب، د

گزینه ۳ صحیح است. با همان کار طاق فرسا همه‌ی گزینه‌ها رد می‌شوند.

۸۲- مفاهیم «تحدیر، تهدید، آزادی و تعهد» به ترتیب از کدام بیت‌ها فهمیده می‌شود؟ (ریاضی - ۹۰)

- (الف) بکوبمت زین گونه امروز یال
 (ب) بترس از جهاندار یزدان پاک
 (ج) که گفتت برو دست رستم ببند
 (د) نهادند پیمان دو جنگی که کس

کزین پس نبیند تو را زنده زال

خرد را مکن با دل اندر مفاک

نبندد مرا دست چرخ بلند

نباشد بر آن جنگ فریادرس

(۱) ب، الف، ج، د

(۲) ج، ب، د، الف

(۳) ب، ج، الف، د

(۴) د، ج، ب، الف

گزینه ۱ صحیح است. با تهدید همه‌ی گزینه‌ها رد می‌شوند.

باقی تستها

۸۳- در همه‌ی ابیات به جز بیت اسفندیار به گونه‌ای رستم را تحقیر و تمسخر می‌کند. (انسانی - ۹۱)

- (۱) نداری ز من شرم و ز کردگار
 (۲) فراموش کردی تو سگری مگر
 (۳) چرا پیل جنگی چو روباه گشت؟
 (۴) تو آنی که دیو از تو گریان شدی؟

نترسی که پرسند روزشمار

کمان و بر مرد پرخاشخ

ز رزمت چنین دست کوتاه گشت

دد از تف تیغ تو بریان شدی؟

گزینه ۱ صحیح است. زیرا در ن هیچ تمسخری وجود ندارد و اصلاً این بیت را رستم گفته است.

۸۴- مفهوم «چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی» باید زدن سنگ را بر سبوی «با کدام بیت تناسب ندارد؟ (هنر - ۹۱) [حذف]

- (۱) عشق کو تا امتحان دست و بازویی کنیم
 (۲) فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان
 (۳) خوش بود گر محک تجربه آید به میان
 (۴) زر کامل عیار از بوته بی غش چهره افروزد

رو به رو آورده جنگ شیر و آهوایی کنیم

آن گه شود پدید که نامرد و مرد کیست

تا سیه روی شود هر که درو غش باشد

دل صاحب نظر را سرخ روز امتحان بینی

۸۵- مفهوم طنزآمیز ابیات «آن یکی پرسید اشتر را که هی

از کجا می آیی، ای فرخنده پی

گفت : از حمام گرم کوی تو

گفت : خود پیداست از زانوی تو»

با کدام بیت تناسب ندارد؟ (زبان ۹۱)

- | | |
|--------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) به گیتی به از راستی پیشه نیست | ز کژی بتر هیچ اندیشه نیست |
| ۲) گر راست سخن گوئی و در بند به پایی | به زان که دروغت دهد از بند رهایی |
| ۳) همه کس به یک خوی و یک خواست نیست | ده انگشت مردم به هم راست نیست |
| ۴) سخن راست توان دانست از لفظ دروغ | باد نروزی پیدا بود از باد خزان |

گزینه ۳ صحیح است. این از زبان فارسی ۳ عمومی آمده و در مذمت دروغ‌گویی است اما بیت ۳ می‌گوید هر کس اخلاق خاص خودش را دارد.

۸۶- مفهوم بیت «تا چشم بشر نبیندت روی

بنهفته به ابر چهر دل بند» با کدام بیت، تناسب بیشتری دارد؟ (تجربی - ۹۰)

- | | |
|------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) آزاد شوی و بر خروشی | مانده ی دیو جسته از بند |
| ۲) در سوسن و سرو بین که معلوم کنی | کازاده زبان دراز و کوتاه دست است |
| ۳) به سرو گفت کسی میوه ای نمی آری | جواب داد که آزادگان تهیدستند |
| ۴) آزادگی گزین که نیرزد به نزد خلق | ملک جهان به دیدن روی جهانیان |

گزینه ۴ صحیح است. زیرا هر دو می‌گویند چه خوب است صورت مردم را ندیدن.

۸۷- در همه ابیات به جز بیت به زمینه ملی حماسه، اشاره شده است. (تجربی - ۹۱)

- | | |
|--------------------------------|------------------------------|
| ۱) همی به آسمان شد به پر عقاب | به زاری به ساری فتاد اندر آب |
| ۲) به جمشید بر گوهر افشاندند | مران روز را روز نو خواندند |
| ۳) چو دید آن درفشان درفش مرا | به گوش آمدش بانگ رخس مرا |
| ۴) به ایوان خرامید و بنشست شاد | کلاه کیانی به سر بر نهاد |

گزینه ۱ صحیح است. اما انصافاً تست بدی است و طراح محترم هیچ درکی از معنای «زمینه ملی» نداشته است. زمینه ملی یعنی بالابردن ارزش ایرانیان در شاهنامه به بیانی کلی‌تر ارزش آن قومی که صاحب حماسه هستند در اثر حماسی آن قوم.

۸۸- مفهوم عرفانی واژه «کرامت» در همه ابیات به استثنای بیت یکسان است. (تجربی - ۹۱) [حذف]

- | | |
|--|----------------------------------|
| ۱) با خرابات نشینان ز کرامات ملاف | هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد |
| ۲) کرامت کن درونی درد پرورد | دلی در وی برون درد و درون درد |
| ۳) چندان که زدم لاف کرامات و مقامات | هیچم خبر از هیچ مقامی نفرستاد |
| ۴) چو بدین گهر رسیدی، رسدت که از کرامت | بنهی قدم چو موسی گذری ز هفت دریا |